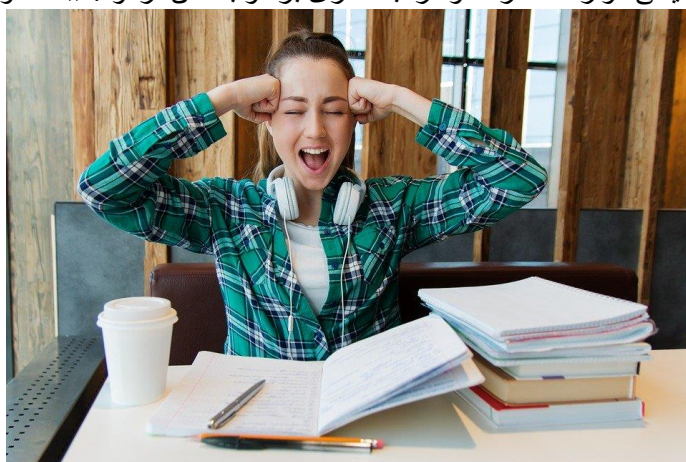


آیا آسان است که یک مسیحی باشد؟

لوقا ۱۸ ، ۳۱ - ۴۳

عیسی دوازده شاگرد خود را به کناری برد و به آنان فرمود: «ما اکنون به اورشلیم می‌رویم و آنچه انبیا دربارهٔ پسر انسان نوشته‌اند به حقیقت خواهد پیوست 32. او به دست بیگانگان تسلیم خواهد شد، او را مسخره خواهند کرد و با او بد رفتاری نموده به رویش آب دهان خواهند انداخت 33. او را تازیانه زده و خواهند کشت. اما در روز سوم باز زنده خواهد شد 34.» اما شاگردان از این همه، چیزی نفهمیدند و این سخن برای ایشان نامفهوم بود و درک نمی‌کردند که دربارهٔ چه چیز صحبت می‌کند. 35 هنگامی که عیسی به نزدیکی اریحا رسید کوری در کنار راه نشسته بود و گدایی می‌کرد. 36 همین‌که شنید جمعیتی از آنجا می‌گذرد، پرسید چه خبر است؟ 37 به او گفتند: «عیسای ناصری از اینجا می‌گذرد 38.» پس فریاد زد: «ای



عیسی، ای پسر داوود، به من رحم کن 39.» اشخاصی که در جلو بودند به تندی با او حرف زده گفتند: «ساکت باش!» اما او هرچه بلندتر فریاد می‌کرد: «ای پسر داوود، به من رحم کن 40.» عیسی ایستاد و دستور داد آن مرد را نزد او بیاورند. وقتی آمد از او پرسید: «41: چه می‌خواهی برایت بکنم؟» جواب داد: «ای آقا، می‌خواهم بار دیگر بینا شوم 42.» عیسی به او فرمود: «بینا شو، ایمانت تو را شفا داده است 43.» فوراً بینایی خود را باز یافت و درحالی‌که خدا را تمجید می‌کرد به دنبال عیسی رفت. همهٔ مردم به‌خاطر آنچه دیده بودند خدا را حمد گفتند.

برای مسیحی شدن چه کاری باید انجام دهیم؟ شاید دو پاسخ متفاوت برای این سؤال وجود داشته باشد: در ابتدا، بله حتماً آسان است که مسیحی بشوید! از طرف دیگر، برعکس آن درست است، مسیحی شدن و مسیحی ماندن واقعا خیلی دشوار است! شما باید برای کلاس تعمید ثبت نام کنید، اگر به جواب اول متوسل شویم، می‌بینیم که تبدیل شدن به یک مسیحی دشوار نیست. درس مسیحیت دشوار نیست و بعد از چند ماه تعمید را دریافت می‌کنید. از آن به بعد شما یک مسیحی هستید. بنابراین تبدیل شدن به یک مسیحی آسان است. از طرف دیگر، ما می‌دانیم که همه چیز نمی‌تواند به همین راحتی باشد. بسیاری نیز وجود دارند که با چشم بسته تعمید گرفتند. بعضی از آنها فقط به صورت نوزاد تعمید یافتند و از آن زمان تاکنون در کلیسا نبوده‌اند، و همچنین نمی‌دانند منظور از مسیحی بودن چیست. آیا این افراد نیز مسیحی هستند؟ در بین ما افرادی نیز وجود دارند که به دلیلی نادرست می‌خواهند غسل تعمید شوند، اما در واقع نمی‌خواهند به کلیسا بروند، یا تمایلی به اینکه مسیحی شوند ندارند. فقط این "گواهینامه غسل تعمید" برای آنها صدق می‌کند. آنها تنها به دنبال مدرک آن هستند، در غیر این صورت عیسی را نمی‌خواهند و حتی ناجی جهان را، که در پشت این گواهی غسل تعمید است را نیز رد می‌کنند. و با این حال هیچ یک از ما نمی‌توانیم ادعا یا اثبات کنیم چه کسی مسیحی واقعی است و چه کسی نیست. در متن خطبه‌ی امروز با افرادی آشنا می‌شویم که در حال طی کردن مسیر مسیحیت هستند. عیسی به شاگردانش گفت: "به اورشلیم برویم!" بنابراین امروز بیایید با عیسی برویم و در این راه، با معنای پیروی از عیسی آشنا بشویم! اولین کسانی که در این مسیر بودند شاگردان عیسی بودند. آنها معتقد بودند که راه عیسی به اورشلیم راه درست است. به همین دلیل آنها از او پیروی کردند. اما آنچه فکر می‌کردند غیر مسیحی بود. آنها فکر می‌کردند که دین مسیحیت باید به نوعی "جهاد" در برابر رومی‌ها و علیه مردم بد جهان شود. آنها بر این باور بودند، که مسیح به اورشلیم می‌رفت تا همه‌ی شرارت‌ها را پاک کند، تا بتواند پادشاهی خدا را ایجاد کند. خود عیسی باید آنها را اصلاح بکند. نیازی نبود عیسی برای تسخیر شهر به اورشلیم برود، بلکه او بایست می‌مرد. مسیر او دقیقاً در جهت مخالف با این مسیری که شاگردان انتخاب کرده بودند قرار داشت. عیسی توسط انسان‌های شریر دستگیر می‌شود، مورد تمسخر قرار می‌گیرد، شکنجه می‌شود و سرانجام کشته می‌شود. همه‌ی اینها نه تنها طرحی از افرادی، که شیطان را اطاعت می‌کردند بود، بلکه خود خدا نیز آن را می‌خواست. و این دقیقاً همان چیزی است که پیامبران گفتند. و عیسی این راه را می‌رود! این توضیحات عیسی برای شاگردانش کاملاً جنون‌آمیز بود. آنها هرگز چیزی شبیه به آن را تصور نمی‌کردند. آنها توسط عیسی مبهوت شدند و هیچ چیزی را نفهمیدند! ما به همین دلیل پیروان عیسی شدیم تا ناکام بمانیم؟ شاگردان عیسی با مسیحیان مدرن فرق ندارند. ما در اغلب موارد عیسی را نمی‌فهمیم. ما همچنین نمی‌فهمیم چرا بیشتر دعا‌های ما بی‌جواب می‌مانند. همچنین نمی‌فهمیم، که چرا اینقدر رنج و بی‌عدالتی در جهان وجود دارد. ما نمی‌فهمیم، بدیهی است که خداوند هیچ کاری برای جلوگیری از آن انجام نمی‌دهد. ما همچنین نمی‌دانیم چگونه می‌توانیم پیروان عیسی باشیم و فقط کورکورانه از او پیروی می‌کنیم و هیچ مدرک ایمانی نمی‌بینیم. ما شواهد می‌خواهیم. ما می‌خواهیم

ببینیم که چیزی در زندگیمان تغییر می کند. ما می خواهیم دنیا را تغییر دهیم! و موفق باشیم. ذهن ما به راه خود ادامه می دهد. و شیطان نیز در هر آنچه خدا گفته است مداخله و سؤال می کند: "آیا خدا واقعاً چنین گفته است؟" آیا نباید از افراد پیروی کنیم که پیشنهادات بسیار مشخصی برای پیشرفت جهان دارند؟ پیروی از این مرد دیوانه که او نیز به دنبال صلیب است. و این صلیب چه معنایی برای زندگیمان دارد؟ شاگردان چیزی نفهمیدند. ما هم چیزی نمی فهمیم. اتفاقاً انسان نابینای ما باید معنی پیروی از عیسی را بهتر یاد بگیرد. همه چیز جلوی چشمانش سیاه بود به طوری که او نمی توانست چیزی را ببیند یا درک کند. آینده ی او نیز نامشخص و تاریک بود ناگهان صدای عیسی را شنید. وقتی این را شنید، هیچ پل ارتباطی دیگری جز این نداشت، که با این عیسی تماس برقرار کند. عیسی ای پسر داوود، به من رحم کن! «او آنقدر بلند فریاد زد، که همه ی افراد محله از دست او عصبانی شدند. با این حال او باز هم متوقف نشده بود. عیسی صدای این مرد را شنید؛ او را صدا کرد، و از او پرسید چه می خواهد و در همان ساعت او را شفا داد. عیسی فقط می گفت "ایمانت به تو کمک کرد." و مرد نابینا نه تنها آن روز شفا یافت، بلکه همچنین از پیروان عیسی مسیح شد. او خدا را ستایش می کرد و همه ی کسانی که با او بودند، خدا را با او ستایش می کردند. مرد نابینا به ما نشان می دهد که مسیحی شدن آسان است. ما به درگاه عیسی

دعا می کنیم، او ما را می شنود و ما او را به همراه جماعت بسیار زیادی دنبال می کنیم. ایمان می تواند ساده باشد! اما اکنون وقت آن رسیده است که درباره ی خود عیسی صحبت کنیم. خود عیسی می گوید: بگذارید به اورشلیم برویم! حتی امروز او ما را به ۴۰ روز قبل از عید پاک فرا می خواند. بیایید با عیسی به اورشلیم برویم. بگذارید ما جانشین او باشیم! عیسی تنها کسی است که همه چیز را می بیند. او می داند که راه خود بر روی زمین باید به رنج کشیدن بر روی صلیب و تحمل کردن گناهان دنیا رسد. شیطان همچنین هر بار سعی می کرد از این مسیر جلوگیری کند. و شاگردانش در آن زمان، مانند ما شاگردان امروزی نمی فهمیدند، که چرا عیسی مجبور به انجام این کار بود. دیدگاه ما خیلی کوتاه بینانه است. ما عمیق ترین نیاز خود را نمی توانیم ببینیم و به همین دلیل نیز ناجی خود را نادیده می گیریم. به همین دلیل است، که ما اغلب به دنبال شیوه های مختلفی می گردیم، که به ما وعده نجات بدهند. اما عیسی بیش از این می خواهد. او نه تنها می خواهد، که ما از یک عذاب جسمی و یا یک سرنوشت تلخ شفا یابیم، بلکه می خواهد ما از گناه رهایی یابیم و زندگی ابدی را به ارث ببریم. به همین دلیل است که او راهی اورشلیم می شود. عیسی ما را در این مسیر همراهی می کند. عیسی امروز هنوز در کلیسای خود است. او می فهمد که ما خیلی کم می توانیم آنچه را، که باعث امنیت ما است درک بکنیم. و با این حال او در آنجا است. او به شاگردانش مشکوک بود. او با مردی، که نابیناییش درماتش شده بود همراه شد، ایمان فقط با حضور خود مسیح حاصل می شود. فقط هنگامی که عیسی در مقابل ما ایستاده است، با کلام او می توانیم ایمان داشته باشیم. عیسی به مرد نابینا گفت: "ببین! "ایمانت" به تو کمک کرده است. فقط در این صورت او پیرو عیسی شد. پس آیا مسیحی بودن آسان است؟ از نظر ما اصلاً کار ساده ای نیست. ما نمی توانیم عیسی را ببینیم، نمی توانیم به او ایمان داشته باشیم. بدون عیسی هیچ پیروانی از او وجود ندارد! این بسیار ساده است اما وقتی عیسی به صحنه می آید. وقتی عیسی با ما صحبت می کند؛ وقتی او به بیمار ی ما پاسخ می دهد و اگر او به ما ایمان آورد، اگر همه اینها باشد، ایمان دشوار نیست، زیرا ایمان در آنجایی است، که عیسی در آنجا است. آمین!